



خطاب به مردم دنیا:  
کمک کنید سینا دهقان  
جوان ۲۱ ساله ایرانی  
از اعدام نجات پیدا کند

صفحه ۹

سال گذشته سال برآمد جنبش کارگری بود  
یک سؤال از حمید تقوایی در مورد سالی که گذشت

صفحه ۲

پیام سال نو جانیمان و دشمنان آزادی  
به مردم! (۱)

علی جوادی

صفحه ۳

کارگران در هفته ای که گذشت

علی ربیعی وزیر کار: میزان بیکاری به زودی کاهش نمی‌یابد

شهلا دانشفر

صفحه ۶

قطعه‌نامه "در مورد جنبشهای اجتماعی و چشم انداز  
انقلاب آتی در ایران" چه میگوید؟

گفتگو با اصغر کریمی

صفحه ۴

قطعه‌نامه "در مورد موقعیت ویژه جنبش کارگری"  
چه میگوید؟

گفتگو با شهلا دانشفر

صفحه ۵

در محکومیت کشتار مردم در موصل

صفحه ۲

پیش بسوی اول مه روز جهانی کارگر

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۰۵

جمعه ۱۱ فروردین ۱۳۹۶، ۳۱ مارچ ۲۰۱۷

اطلاعیه مطبوعاتی در باره  
آخرین تحولات پیرامون  
پرونده سینا دهقان

صفحه ۱۰

ما همه سینا دهقان هستیم!

صفحه ۹

محمد نوری ۲۰ ساله در انتظار  
اعدام بدلیل انتقاد از حکومت  
و دین اسلام!

صفحه ۱۰

صدور حکم وحشیانه شلاق با تعلیق دوساله  
برای محمد تشکری کارگر بافق یزد  
احکام ارتجاعی و وحشیانه  
شلاق باید فوراً ممنوع شود

شهلا دانشفر

صفحه ۷

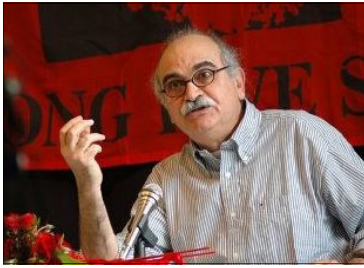
دستگیری سه فعال کارگری  
در کامیاران

صالح امانی، سعید یوزی و محمد رضا آهنگر  
دستگیر شدند

صفحه ۱۰

# سال گذشته سال برآمد جنبش کارگری بود

## یک سنوآل از حمید تقوایی در مورد سالی که گذشت



– به معضلی پیچیده و لاینحل برای حکومت تبدیل نمیشد. ما همیشه گفته ایم اختلافات و کشمکش جناحهای حکومتی در واقع بر سر راههای مختلف کنترل جامعه و نجات نظامشان در برابر اعتراضات رشد یابنده توده مردم است و بهمین دلیل بحران سیاسی اجتماعی و اقتصادی که رژیم با آن دست بگریبان است تا روز سرنگونی آن ادامه خواهد داشت. فاکتور تعیین کننده در شکل دادن به شرایط سیاسی در ایران نبرد بین توده مردم و حکومت اسلامی سرمایه است و سال گذشته در این نبرد حیاتی توده مردم گام بلندی جلو برداشتند.

مختلف و بجالش کشیده شدن کل نظام جمهوری اسلامی از یک موضع چپ و رادیکال و انسانی است. البته فاکتورهای متعددی نظیر نافرجامی برجام، انتخاب ترامپ و تشدید فشار آمریکا بر جمهوری اسلامی، تضعیف موقعیت منطقه ای رژیم و بی افقی و سردرگمی جناحهای حکومتی در انتخاباتی که در راه است و غیره در تضعیف جمهوری اسلامی نقش ایفا میکنند ولی اساس مساله نفرت و نارضائی عمیق مردم از جمهوری اسلامی است. اگر فاکتور اعتراضات و مبارزات جاری و بقول خود حکومتی ها "خطر فتنه ای بزرگتر از سال ۸۸" نبود هیچکدام از فاکتورهای دیگر – از رابطه با آمریکا گرفته تا انتخابات

کنند. (بعنوان یک نمونه در اعتراضات توده ای مردم شهرهای خوزستان به آلودگی هوا بیش از چهل نهاد و تجمع مبارزه با آلودگی محیط زیست با اسم و رسم و طرح خواستها و شعارهای اعتراضی دخیل بودند). این به نظر من روند تعمیق و تشکل و تعیین یافتن بیش از پیش جنبش سرنگونی در یک مقیاس اجتماعی گسترده است. این روند در جنبش کارگری از سالها قبل شروع شده بود و امروز شاهد گسترش و بسط آن به عرصه های متعدد مبارزه هستیم. موقعیت رژیم و بالا گرفتن کشمکش بین جناحهای حکومتی که به آن اشاره کردید در تحلیل نهائی نتیجه و بازتاب این گسترش و ارتقای کمی و کیفی مبارزات و اعتراضات مردم در عرصه های

عمومی جامعه در اعتراضات کارگری و حمایت مردم و فعالین سایر جنبشهای اعتراضی از کارگران، از جمله مهمترین پیشروهای جنبش کارگری در سال گذشته بود. جنبش کارگری در اعلام خواستهای بخشهای مختلف جامعه نیز نقشی اساسی ایفا کرد. یک گام مهم در این جهت انتشار بیانیه عظیم زاده – عبدی است که به نظر من یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی در سال گذشته بود. این بیانیه در واقع کیفرخواست توده مردم علیه "مفتخوارن حاکم" بود و نقش مهمی در بچپ چرخیدن فضای اعتراضی در کل جامعه و بویژه تحکیم اتحاد و همبستگی بین فعالین جنبش کارگری و جنبش معلمان و همچنین همراهی و همسوئی فعالین جنبش علیه اعدا، حمایت از زندانیان سیاسی و جنبش دانشجویی با پیشروان جنبش کارگری ایفا کرد.

با توجه به همه این واقعیات میتوان سال گذشته را سال برآمد جنبش کارگری نامید. سالی که نهادهای و چهره های سرشناس جنبش کارگری حتی از درون زندانها با پرچم اعتراض به فقر و بیحقوقی طبقه کارگر و بخشهای مختلف جامعه قد برافراشتند و توده نود و نه درصدی مردم را در برابر حکومت اسلامی سرمایه نمایندگی کردند. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت – و در قطعنامه های کنگره اخیر حزب نیز مورد تاکید قرار گرفته است – این واقعیت است که مبارزات جاری اساسا در قالب اعتراضات صنفی – مدنی – مطالباتی بیان میشود اما مبنا و انگیزه و مضمون آنها ضدیت با جمهوری اسلامی است. قالب صنفی مدنی اجازه میدهد که فعالین جنبشهای اعتراضی علنا بمیدان بیایند، در اشکال مختلف متشکل بشوند، و با چهره ها و نهاد های تشکلهای متعددی در عرصه های مختلف مطرح شوند و قد علم

**انترناسیونال:** در سال ۹۵ اختلافات و درگیری ها میان جناحهای مختلف قدرت در درون جمهوری اسلامی کاهش پیدا نکرد و از سوی دیگر شاهد گسترده تر شدن اعتراضات علیه رژیم بودیم. به نظر شما با چه خطوطی میتوان یک تصویر کلی از شرایط سیاسی ایران در سال گذشته ترسیم کرد؟

**حمید تقوایی:** به نظر من مهمترین مولفه وضعیت سیاسی ایران در سالی که گذشت ارتقای کمی و کیفی اعتراضات مردم بود. از یکسو جنبش های اعتراضی با سابقه نظیر جنبش رهائی زن، جنبش افزایش دستمزد، جنبش علیه اعدا، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، اعتراض به دزدیها و حقوقهای نجومی و فساد مقامات، جنبش جوانان برای خلاصی فرهنگی و غیره گسترده تر و فعال تر شدند و از سوی دیگر مردم عرصه های متعدد و تازه ای علیه جمهوری اسلامی گشودند که دادخواهی از کشتارهای دهه شصت، اعتراض علیه پرونده سازبهای امنیتی، اعتراض علیه آلودگی هوا بخصوص در شهرهای خوزستان، اعتراض به ناامنی جاده ها در کردستان، و دفاع از حقوق حیوانات از جمله نمونه های این تعرض هستند. این جنبشها و اعتراضات حول خواستها و شعارهای عمیقاً انسانی و برابری طلبانه و آزادیخواهانه شکل گرفته اند و این واقعیت را نشان میدهند که آرمانهای رادیکال و چپ و انسانی بیش از پیش در جامعه نفوذ پیدا کرده و گسترش یافته است.

در شکل دادن به این فضای اعتراضی چپ و رادیکال جنبش کارگری نقش ویژه و تعیین کننده ای داشت. گسترش بیسابقه اعتصابات و مبارزات کارگری (از کارگران کارخانجات و واحدهای تولیدی کوچک و بزرگ تا معلمان و پرستاران و بازنشستگان)، شرکت و دخیل شدن خانواده های کارگران در این مبارزات، طرح خواستها و مطالبات

## در محکومیت کشتار مردم در موصل

مردمی شتافت که در موصل گرفتار جنگ علیه داعش شده اند. نباید اجازه داد که این صحنه ها در اذهان بشریت معاصر تصاویری "عادی" و یک "منظره"، هر چند ناخوشایند، تلقی شود. نباید اجازه داد این کشمکش و مشقت به وضعیتی دائمی تبدیل شود. این سهم بشریت نیست، این سهم مردم موصل نیست!

حزب کمونیست کارگری هرگونه اقدامی را که منجر به قربانی شدن مردم عادی شود، قویا محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری خواهان بیشترین کمک و مساعدت سازمانها و نیروهای بین المللی به مردم فراری و گرفتار شده در موصل است.

حزب کمونیست کارگری  
۱۷ فروردین ۱۳۹۶، ۲۷ مارس  
۲۰۱۷

زندگی و مدنیت در موصل در حال نابودی است. فاجعه ای در پی فاجعه ای دیگر و این سهم مردمی است که چندی پیش به اسارت هیولای اسلامی داعش در آمدند و امروز بنام "آزادی" شان محل زندگی و کارشان از سوی داعش و نیروهای متعدد مرتجع و ضد انسانی تروریسم دولتی درهم کوبیده شده است.

ما جنگ علیه داعش را محکوم نمیکنیم. بشریت باید از شر داعش و هر نیروی تروریست اسلامی و غیر اسلامی دیگری خلاص شود. اما این کشتارها و حملات هوایی که قربانیانش مردم عادی اند، جنگ نیست، کشتار و تروریسم هوایی است. یک جنایت جنگی است. جنایتی علیه شهروندانی است که سهمی در این کشمکش خونین نداشته اند.

باید به کمک مردم آواره و فراری از موصل شتافت. باید به کمک

گزارشات خبرگزاریها از تعداد کشته شدگان موصل در چند روز اخیر، هر چند متفاوت، اما حاکی از آن است که حداقل صدها تن از شهروندان غیر نظامی در پی حملات هوایی جنگنده های "نیروهای ائتلاف" و در راس آن دولت آمریکا، تا کنون کشته و تعداد زیادی زخمی شده اند. تعداد زیادی از شهروندان بیگناه نیز هنوز زیر آوار خانه ها و اماکن تخریب شده قرار دارند.

فراریان از موصل خبر میدهند که تعداد کشته شدگان و زیر آوار ماندگان "بسیار" است. سازمان ملل تعداد قربانیان را "بسیار بالا" برآورد کرده است. تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار تن در اثر بمباران محل زیست و کار خود، تنه زندگی خود را به دوش گرفته و آواره دشت و بیابان شده اند. مابقی نیز، بیش از ۶۰۰ هزار تن، بنا به گزارش سازمانهای امداد رسانی در میان جنگ نیروهای درگیر گرفتار شده و راه فراری ندارند.

# پیام سال نو جانیان و دشمنان آزادی به مردم! (۱)

## علی جوادی

آغاز سال نو در عین حال همراه بود با ارسال پیامهایی از جانب جانیان و دشمنان آزادی به مردمی که قربانیان مناسبات و شرایطی هستند که این موجودات در راس آن قرار دارند. در این چهارچوب دو پیام از همه بیشتر وقاحت و بیشرمی بیمانندی را در خود داشت. یکی پیام سال نو خامنه ای و دیگری پیام نوروزی دونالد ترامپ به مردم ایران است. به این دو پیام باید پرداخت. ذکر نکاتی در این چهارچوب ضروری است. در این بخش از پیام خامنه ای آغاز میکنیم.

## خامنه ای و قرض گیری از ناسیونالیسم ایرانی

خامنه ای این بار پیام خود را به علقه ها و عواطف سنت ناسیونالیسم ایرانی "آغشته است. در این پیام خبر چندانی از مفاهیم اسلامی و مشخصاً "امت اسلامی" نیست. سال نورا به "هم میهنان عزیز" و "ملت بزرگ ایران" تبریک گفته است. هر دو این مفاهیم، "میهن" و "ملت" مقولات اساسی و کلیدی در سنت ناسیونالیسم ایرانی هستند. توسل به این مفاهیم سنتی در عین حال به درجه ای نشان عقب نشینی از سنتهای کثیف اسلامی است و سؤال این است که چرا؟

واقعیت این است که اسلامیسم بمشابه چهارچوب عمومی جنبش کثیف اسلامی عملاً در جامعه شکست خورده است. بی آبرو و رنگ باخته است. هر روزه زیر ضرب ضربات مردم و جامعه ای قرار دارد که اسلام و حکومت اسلامی را وصله ای ناجور برپیکره این جامعه میداند و برای نابودی اش لحظه شماری میکنند. و این واقعیتی است که حتی برخی از مبلغین و سخنگویان جناح راست حکومتی هم بعضاً به آن اذعان دارند. روزی نیست که مردم اسلام و سنتهای آن را به سخره بگیرند و در تحرکات سیاسی و اجتماعی خود آن را زیر پا له نکنند. بطوریکه اکنون ضدیت با

اسلام، چهره ها و سیاستها و آداب و رسوم اسلامی به یک ویژگی و شاخص جامعه ایران تبدیل شده است. این تعرض به اسلام برای جارو کردن بساط آن واقعیتی است که خامنه ای را وادار به توسل به مفاهیم ناسیونالیسم بمنظور ادغام مولفه هایی از این سنت ارتجاعی در سنت کثیف اسلامی شود. و این واقعیتی است که پیش از آن اصلاح طلبان حکومتی به تبعیت از جریانات رنگارنگ جنبش ملی اسلامی آغاز کرده بودند، کوشیده بودند تا به هر درجه که میتوانند مفاهیم ناسیونالیستی را در سیستم اسلامی خود حل کنند. و این تلاش را اقدامی برای تداوم بخشیدن به عمر سیاه حکومت اسلامی میدانند. مضحک آن است که جریان خامنه ای و جناح راست حکومت اسلامی خود زمانی هر درجه عقب نشینی از اسلام و اسلامیسم را بمشابه خیانت به حکومت اسلامی تلقی میکردند و اما اکنون خود نیز ناچار به توسل به این مولفه ها شده اند. این واقعیت را باید "ترمش قهرمانانه" دیگر خامنه ای در راس حکومت اسلامی قلمداد کرد.

## خامنه ای و اذعان به شکست اقتصادی پروژه اسلامی

خامنه ای رهبر حکومت جانیان اسلامی در بخشی از پیام خود به مشکلات اقتصادی جامعه پرداخته است. او در کمال وقاحت قید کرده است که "چون از وضع مردم مطلع هستم، لذا تلخی را با همهی وجود حس میکنم". خامنه ای "تلخی" فقر و فلاکتی که حکومت اسلام و سرمایه بر مردم تحمیل کرده است را با "همه ی وجود حس" میکنند؟! خنده دار است، مضحک است. راس حکومت جانیان اسلامی کسانی که از غارت و چپاول اموال مردم حسابهای میلیونی و میلیاردری در بانکهای خارجی برای خود درست کرده اند، کسانی که اکثریت عظیم توده های مردم را به فقر و فلاکت و بی خانمانی و گورخوابی محکوم کرده اند، مدعی میشوند که درد این مردم به ستوه آمده را "با همه ی وجود حس" میکنند. آیا بیشمری اسلامی هیچ حد و محدودیتی دارد؟ خامنه ای در ادامه میگوید: "تلخیها و سختیها عمدتاً مربوط به مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم است؛ طبقات متوسط و ضعیف در طول سال درگیر این مشکلات بودند و همچنان هستند... تلخی کام مردم، بخصوص مردم ضعیف و فرودست و طبقات ضعیف... مربوط به مسائل اقتصادی و مشکلات اقتصادی است."

مستقل از عوامفریبی مستتر در این افاضات باید تاکید کرد که این یکی از نادرترین گفتارهایی است که در آن رهبر حکومت اسلامی رسماً به شکست اقتصادی پروژه اسلام سیاسی اذعان میکند. اعتراف به این واقعیت که ثمره و کارنامه حکومت اسلامی برای توده مردم محروم و فرودست چیزی جز

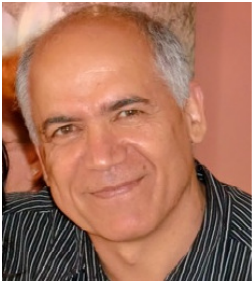
فقر و فلاکت و محرومیت بیشتر و مزمن نبوده است. اذعان به اینکه بخش عظیمی از توده های جامعه به زندگی چندین مرتبه زیر خط فقر محکوم شده اند. معنای زندگی برایشان چیزی جز سیاهی و تباهی نبوده است. امیدها و آرزوهایشان برای برخورداری از یک زندگی انسانی به یک زندگی مادون انسانی تبدیل شده است. اینکه جامعه ای غنی و سرشار از منابع خلاق انسانی و طبیعی، نظر به حاکمیت اسلامی سرمایه به فقر و محرومیت ابعادی همگانی بخشیده است. اذعان خامنه ای به این مشکلات اذعان به شکست اقتصادی پروژه اسلام سیاسی است. خامنه ای در این پیام آنچه به مشکلات اقتصادی جامعه پرداخته است که گویا خود سید هیچ سهمی در شکل دادن به این فاجعه اسلامی نداشته است. گویی تمام این فجایع علیرغم میل و تمایل و سیستم سیاسی و اقتصادی که ایشان در راس آن قرار داشته است، صورت گرفته است. و در عین حال کوشیده است که دولت خودش را به نوعی مقصر چنین وضعیتی بداند. و گویا کسی در آن جامعه نیست که نداند کل حکومت اسلامی، با تمام جناحها و باندهایش مسبب چنین فاجعه انسانی ای هستند.

خامنه ای در ادامه پیام خود بطور مشخص به مشکلاتی: "مثل گرانی، مثل بیکاری، مثل آسیبهای اجتماعی که آنها هم عمدتاً منشأ اقتصادی دارند؛ مثل تبعیضها و نابرابریها." اشاره کرده است. اینکه آسیب های اجتماعی ریشه اقتصادی دارند، گوشه ای از حقیقت است. واقعیت مهمتر این است که این معضلات امروزه تماماً محصول سیستم اقتصادی و سیاسی معینی هستند که بر جامعه حاکم است. گرانی و بیکاری و نابرابری و شکاف طبقاتی و محرومیت و کلا تمامی مصائب اجتماعی محصول سیستم اقتصادی سرمایه داری است و حکومت اسلامی با چنگ و دندان

و قرآن و سپاه و گله آخوند برای حفظ و بقای آن و بقای حکومتش تلاش کرده است. در این چهارچوب به دو واقعیت باید اشاره کرد:

۱- اگر بیکاری و فقر و فلاکت محصول عملکرد نظام سرمایه داری است نتیجتاً از بین بردن آن هم مستلزم نابودی مناسبات اقتصادی و سیاسی ای است که چنین وضعیتی را ایجاد کرده است. برای از بین بردن این وضعیت دهشتناک باید نظام سرمایه داری و حکومت حافظ آن را به زیر کشید و این مناسبات را که بر مبنای سود و انباشت سرمایه برای اقلیت استثمارگر حاکم ایجاد شده است از اساس دگرگون کرد. جامعه ای ایجاد کرد که هدف فعالیت اقتصادی اش نه تولید سود برای سرمایه دار بلکه رفع نیازمندهای رو به رشد همگان باشد. نظام اقتصادی ای که بجای سود رفع نیازمندهای جامعه و تمامی آحاد مردم را مد نظر دارد.

۲- مساله دیگر بن بست اقتصادی رژیم اسلامی است. واقعیت این است که رژیم اسلامی در يك بن بست همه جانبه اقتصادی گرفتار است. غول اقتصاد حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده است. حکومت اسلامی بمشابه يك حکومت سرمایه داری عملاً از حوزه صدور سرمایه و تکنولوژی و همچنین دسترسی به بازار جهانی محروم است. چرا که حکومتی اسلامی است. اسلام رونیای سیاسی مناسب با ملزومات سرمایه در عصر جهانی شدن سرمایه نیست. بعلاوه خاورمیانه با وجود مساله فلسطین و حکومتهای اسلامی کاندید مناسبی برای انباشت سرمایه جهانی نیست. به این اعتبار بحران اقتصاد سرمایه داری که در يك جامعه متعارف میتواند به تعرض به معیشت مردم و تحمیل بار بحران سرمایه داری بر دوش جامعه پاسخ موقتی بیابد، در جامعه اسلامزده ایران راه حل موقت و اصلاحی ندارد. بحران



# قطعنامه "در مورد جنبشهای اجتماعی و چشم انداز انقلاب آتی در ایران" چه میگوید؟

## گفتگو با اصغر کریمی

**انترناسیونال:** در قطعنامه "در مورد جنبشهای اجتماعی و چشم انداز انقلاب آتی در ایران"، گفته شده که "مبنا و نیروی محرکه جنبشها و اعتراضات گسترده جاری گرایش عمیق مردم به خلاصی از شر جمهوری اسلامی و بیزر کشیدن حکومت است". جنبشها و اعتراضات جاری از جنبش کارگری برای افزایش دستمزد و علیه بیکاری و غیره تا دوچرخه سواری زنان و اعتراض به محیط زیست و غیره را شامل میشود. چرا این اعتراضات یا این جنبشها در چهارچوب سرنگونی طلبی قرار داده شده است؟

**اصغر کریمی:** از هر زاویه ای به جنبشها و اعتراضات اجتماعی نگاه کنیم به این نتیجه میرسیم که اینها تماما به جنبش سرنگونی تعلق دارند. دوچرخه سواری زنان ظاهرا يك حق بسیار ساده و بدیهی است. اما زنی که میخواهد دوچرخه سوار شود و حکومت را مانع این آزادی خود میداند عجیب است که طرفدار حجاب اجباری باشد، یا حق حضانت نداشته باشد یا حق برابر در ازدواج و طلاق نداشته باشد. همه اینها را میخواهد. و هیچ زنی نیست که این حقوق را بخواهد و فکر کند جمهوری اسلامی يك روز سر عقل میاید و همه این حقوق را به زنان هدیه میکند. مردم اهواز که با خشم و نفرت برای هوای سالم فریاد میزدند سالهای طولانی است با این مشکل مواجهند و هر بار با وعده های توخالی مواجه شده اند. هیچکدام تردیدی ندارند که تا این حکومت هست حتی از يك آب و هوای سالم هم محروم خواهند بود. کارگر و بازنشسته ای که فریاد میزند "یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه" یا "اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی" یا "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی جان فدا میکنیم در ره آزادی"، علنا دارد میگوید معضل حقوق من یا خطر بیکاری

که بالای سر من است، فراتر از زورگویی یا تصمیم کارفرما است و به حکومت مستقیما مربوط است. و میداند که حقوق بالای خط فقر با حکومتی که حداکثر ۱۵ درصد بجای ۳۰۰ درصد به حقوقها اضافه میکند سازگاری ندارد. دانشجویی که هر ساله با معضل معیشتی عمیقتری باید دست و پنجه نرم کند، با مقامات فاسد دانشگاه مواجه است، از هیچ حقی برخوردار نیست و آینده تیره و تاری مقابل خود میبیند عجیب است که ریشه این محرومیتها را نداند و صرفا چند خواست ساده را بخواهد و فکر کند بالاخره حکومت یا جناحی از حکومت خواستهایش را برآورده میکند. میلیونها نفری که نتوانند به سیستم قضایی خورده و پایشان حتی یکبار به دادگاه کشیده شده عمق بیعدالتی در این سیستم را با گوشت و پوست تجربه کرده اند. فساد در بالاترین سطح حکومت، مقامات و آیت الله هایی که به برکت شرکت در حکومت میلیاردی شده اند، فقری که گریبانگیر بیش از ۵۰ میلیون نفر از جمعیت شده، میلیونها خانواده ای که کودکانشان از تحصیل محروم شده اند، تبعیضات و زورگویی های آشکاری که در همه جا و هر لحظه نصیب مردم شریف و زحمتکش میشود، شلاق خوردن ها و توهین شنیدن ها و زندانی شدن ها و هزار جور محرومیت دیگر که نه برای یکسال و دو سال بلکه دهه ها است مردم را آزار میدهد، هر روز و هر لحظه خود را در نفرت عمیق از حکومت نشان میدهد. این يك تحلیل نیست يك فاکت است.

اما اینکه چرا خواست سرنگونی علنا در اعتراضات مطرح نمیشود موضوعی صرفا مربوط به توازن قوا است. فعلا کارگر میتواند تجمع کند و بگویم حقوقم را بدهید، یا زنان در مقابل استادبوم ها تجمع میکنند و

میگویند میخواهیم وارد استادبوم شویم، یا میخواهیم دوچرخه سواری کنیم، یا مردم جمع میشوند و میگویند هوای سالم میخواهیم. البته در سالهای گذشته در تمام اعتراضات شعارهایی که دیگر مطلقا رنگ و بوی صنفی ندارد دیده میشود مثل یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه، اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی، یا استاندار حیا کن خوزستان رو رها کن و استعفای مقامات که در بسیاری از جمععات مطرح میشود و شعارهای مشابه نشان میدهد که اعتراضات مردم ظاهر مطالباتی دارد اما ماهیتا ضد حکومتی و سرنگونی طلبانه است. مردم هر روز نمیتوانند با شعار مرگ بر حکومت یا مرگ بر دیکتاتور به خیابان بیایند. این امکان معمولا هر چند سال یکبار اتفاق می افتد. سال ۸۸ مردم در ابعاد میلیونی شعارهای سرنگونی دادند. این جنبش و این خواست از بین نرفته است. هیچ بخشی از مردم به خواستهایشان نرسیده اند که صف سرنگونی را ترک کنند و به صف حامیان حکومت یا نظام تبدیل شوند. برعکس اوضاع برای اکثریت مردم بدتر و نفرتشان از حکومت بیشتر شده است. بحران حکومت، بی آبرویی آن، شکافهای رو به رشد

۱- تقابل میان توده مردم و حکومت گسترده و تعمیق شده و ابعاد تازه ای پیدا کرده است. شکل گیری جنبشهای اجتماعی و حرکات اعتراضی گسترده مردم در عرصه های متعدد و با شیوه های بدیع و ابتکاری در مقابله با قوانین و سیاستهای ضد انسانی حکومت، مضمون صریحا ضد کاپیتالیستی اعلامیه ها و بیانیه ها و فراخوانهای کارگری و پیشرویهای جنبش کارگری در مقابله با حکومت و قوانین و سیاستهای ضد کارگری و سرکوبگرانه حاکم، يك مولفه مهم وضعیت سیاسی ایران در شرایط

درون حکومت و بن بست حکومت به معنی واقعی کلمه را میبینند و دورنمای روشن تری برای سرنگونی مقابل خود میبینند. اما با سرکوب اعتراضات در سال ۸۸ مردم به فعالیت عرصه ای روی آوردند تا بار دیگر شرایط برای عرض اندام سیاسی و سرنگونی طلبانه ایجاد شود. اما منتظر نشسته اند، شروع به متشکل شدن کرده اند و صدها و صدها تشکل و نهاد در زمینه دفاع از حقوق حیوانات تا محیط زیست، دفاع از حقوق کودک تا حقوق زن درست کردند. فضای چپی که بر اکثر این نهادها حاکم است نشان میدهد که درونمایه این جنبشها و این اعتراضات و تشکلها حتی عمیقتر از خواست سرنگونی است. علیه کلیت این سیستم، علیه حکومت مذهبی، علیه سرمایه داری و علیه ریشه های تبعیض و محرومیت است. مقایسه ای بین اعتراضات در سال ۸۸ و سالهای قبل از آن با اعتراضات وسیعی که در سال گذشته شاهد بودیم نشان میدهد که تا چه حد جنبش سرنگونی عمیق تر و وسیعتر شده است، چقدر اتحاد و همبستگی میان مردم بیشتر شده است، چقدر خودآگاهی و حق خواهی مردم عمومی تر شده است. مردم بیشتر

## قطعنامه در مورد جنبشهای اجتماعی و چشم انداز انقلاب آتی در ایران

اجتماعی نیست ولی سیر و سرنوشت انقلاب تماما بوجود اعتراضات و جنبشهای اجتماعی در عرصه های مختلف، درجه تعیین و تشکل آنها، و گرایش سیاسی حاکم بر آنها وابسته است. جنبشها و اعتراضات گسترده جاری و چهره ها و نهادها و شبکه هایی که در دل آن شکل میگیرند و فعال میشوند، نشان دهنده تعمیق و تعیین هر چه بیشتر صفتبندی طبقاتی، شکل گیری ابزار و زمینه ها و نقاط اتکالی انقلاب آتی، و امکان سازی

حاضر است.

۲- مبنا و نیروی محرکه جنبشها و اعتراضات گسترده جاری گرایش عمیق مردم به خلاصی از شر جمهوری اسلامی و بیزر کشیدن حکومت است. بچالش کشیدن حکومت و سرنگونی طلبی که خیزش میلیونی سال ۸۸ و شورشیهای شهری در دهه قبل از آن نمونه های برجسته بروز و سر بلند کردن آن بود اکنون در متن و بطن جنبشها و حرکتهای اعتراضی و در قالب فعالیتهای مطالباتی، صنفی، اجتماعی و مدنی متجلی میشود.

۳- انقلاب ادامه خطی جنبشهای

# قطعنامه "در مورد موقعیت ویژه جنبش کارگری" چه میگوید؟

## گفتگو با شهلا دانشفر

**انترناسیونال:** در قطعنامه "در مورد موقعیت ویژه جنبش کارگری" مصوب کنگره دهم حزب نکته اصلی اینست که جنبش کارگری در آستانه ایجاد تشکلهای توده ای کارگری قرار گرفته است. آیا با این برداشت موافقتی دارید؟ چگونه میتوان تصور کرد که کارگران بتوانند تشکلهای مستقل و توده ای خود را در ایران داشته باشند؟

**شهلا دانشفر:** بحث قطعنامه موقعیت ویژه جنبش کارگری دقیقاً همین است که اشاره کرده اید. یعنی نزدیک شدن جنبش کارگری به فاز ایجاد تشکلهای توده ای کارگری. یک زمانی بحث بر سر این بود که در خفقان جمهوری اسلامی ایجاد هیچگونه تشکل مستقل کارگری ممکن نیست. اما کارگران با پا به میدان گذاشتن و اعلام اینکه، ایجاد تشکلهای کارگری امر خود کارگران است و برای ایجاد آن نیاز به مجوز نیست، توانستند تا حد زیادی این موانع و ابهامات و تردیدها را از مقابل جنبش کارگری کنار زنند و دیدیم که عملاً شمار قابل توجهی تشکل های مستقل کارگری شکل گرفتند که گرچه اکثراً هنوز توده کارگران را در بر نمیگیرند اما خود نقطه تحولی در جنبش کارگری بوده است. این قطعنامه معین با بر شمردن مولفه های مهم پیشروی های جنبش کارگری میکوشد این تحول مهم یعنی شرایط کنونی که عملاً امکان متشکل شدن توده کارگران در تشکلهای مستقل خود وجود دارد را، جلوی چشم بگذارد. و آنرا برجسته کند و برای عملی شدن آن نیرو بسیج کند.

در این قطعنامه تمام حرف ما اینست که با توجه به پیشروی های جنبش کارگری در طول یک دهه اخیر و با توجه به ثقل سیاسی مهم جنبش کارگری در اوضاع پر تحرک جامعه امروز ما در شرایطی قرار داریم که ایجاد

تشکلهای توده ای کارگری ممکن است. تاکید اصلی آن نیز به درست بر تعمیق و گسترش این پیشرویها و برداشتن گامهای عملی برای تحقق بخشیدن به جهشی بزرگ برای شکل دادن به یک جنبش وسیع و گسترده برای ایجاد تشکلهای توده ای کارگری است.

برای روشن شدن بحث اجازه بدهید مثالی بیاورم. در ۲۶ اسفند ۹۵ بیش از ده هزار کارگر بازنشسته از سراسر ایران جمع شدند و پیگیر خواستههایشان شدند. طی همین دو سه ساله برپایی جمععاتی سراسری از همین دست را در میان معلمان، پرستاران، کارگران نفت، آتش نشانان، مخابرات، برق، و بخش های دیگری از کارگران شاهد بوده ایم. مشاهده ساده همین اتفاقات آنهم در متن موقعیت متحولی که امروز جنبش کارگری پیدا کرده بطور واقعی نشانگر این واقعیت است که امروز بیش از هر وقت ایجاد انواع و اقسام تشکلهای و نهادهای توده ای کارگری در تمام این بخشها ممکن است و باید با تمام قوا برای شکل دادن به آنها تلاش کنیم.

تا آنجا که به محیط های کار باز میگردد، یک رکن دائمی اعتراضات هر روزه و گسترده کارگری، مجمع عمومی کارگری است. در متن اوضاع پر تحرک جنبش کارگری و فضای سیاسی جامعه، رفتن بسوی ایجاد و تثبیت مجامع عمومی کارگری باید به امر آگاهانه کارگران برای تشکیلیابی در محیط های کار تبدیل شود. ضمن اینکه همه مولفه هایی که جنبش کارگری را به چنین نقطه تحول سازی رسانده است، از جمله حضور قدرتمند خانواده ها در مبارزات کارگری و گسترش دامنه اجتماعی این مبارزات، سازمانیابی در مدیای اجتماعی بعنوان ابزاری برای ارتباط گیری وسیع در میان بخش های مختلف کارگری، ابزار

وجود سیاسی تر و اجتماعی تر رهبران و تشکلهای موجود کارگری و نقش آنها در پیشاپیش جنبش برای تشکیلیابی توده ای کارگری و تقویت و تثبیت این پیشرویها همچنان رؤس مهم فعالیت ما برای مساعد تر کردن شرایط برای گسترش تشکلهای توده ای کارگری در سطحی سراسری تر خواهد بود.

ایجاد تشکلهای توده ای کارگری در سطح وسیع و گسترده، آنهم در شرایطی که امروز در آن قرار داریم، نقش تحول سازی در ثقل جنبش کارگری در فضای سیاسی جامعه دارد. انجام آن در عین حال گام مهمی برای تغییر توازن قوای جامعه به نفع مبارزات کارگران و کل جامعه است. بنابراین یک کار مهم ما امروز جا انداختن این تبیین معین از تاثیر پیشروی های جنبش کارگری بر فراهم شدن شرایط ایجاد تشکلهای توده ای در میان فعالین و رهبران کارگری است و عطف توجه دادن به آنان برای برداشتن خیزی بزرگ برای سازمانیابی توده ای کارگری است.

**انترناسیونال:** بنظر شما تشکل های توده ای کارگری چه جایگاهی را در تحولات سیاسی و اجتماعی آینده در ایران می تواند داشته باشند؟

**شهلا دانشفر:** تشکل توده ای همانطور که از اسمش پیداست یعنی توده کارگرانی که متشکل شده اند. و کارگران وقتی متشکل باشند در تمام زمینه های اجتماعی نقش موثر تر و کار سازتری ایفا خواهند کرد و بر کل فضای جامعه و آینده تحولات سیاسی تاثیرات شگرفی خواهند داشت. همانطور که اشاره کردم بحث بر سر ممکن بودن شرایط برای به راه افتادن جنبش برای ایجاد تشکلهای توده ای کارگری در بخش های مختلفی از کارگران چون بازنشستگان، پرستاران،

معلمان و مراکزی نظیر نفت، آتش نشانان، مخابرات، برق، شهرداری ها و نمونه های دیگری از این دست با اتکاء به مجامع عمومی کارگری و رفتن بسوی ایجاد و تثبیت مجامع عمومی در محیط های کار، بعنوان ظرفی برای تشکل یابی توده ای کارگری است. تحقق این امر یک گام حیاتی در سازمانیابی توده ای کارگران و ایفای نقش مستقیم و قدرتمند آنان در تحولات سیاسی جامعه است.

از جمله ایجاد تشکلهای توده ای کارگری در سطحی گسترده و وسیع نقش تحول سازی در به میدان آوردن قدرتمند و سازمانیافته کارگران، خانواده های کارگری و نزدیک کردن بخش های مختلف کارگری به یکدیگر دارد. و شکل گیری هر چه گسترده تر این تشکلهای به جنبش کارگری امکان میدهد که با قدرت بیشتری در جلوی صف اعتراضات کل جامعه قد علم کند.

بویژه در شرایطی که جنبش کارگری وزن سنگینی در فضای سیاسی جامعه دارد، ایجاد تشکل های توده ای در سطحی وسیع و گسترده فاکتور مهمی در قدرت گیری مبارزات کارگری و تغییر توازن قوای کل جامعه به نفع جنبش رادیکال و چپ، خواهد بود.

و اینها همه به روشنی گویای جایگاه مهم امر ایجاد تشکلهای توده ای کارگری در تحولات سیاسی و اجتماعی هم امروز و هم آینده ایران است.

**انترناسیونال:** در مقابل مولفه هایی که در این قطعنامه مطرح شده، جمهوری اسلامی و حتی بخش هایی از سرمایه داری خارج از قدرت سیاسی بیکار ننشسته اند، از طرف آنها چه اقداماتی در مقابل جنبش کارگری انجام می گیرد؟ و جنبش کارگری در مقابل این اقدامات چه کار باید بکند؟

**شهلا دانشفر:** بحث ما بهیچوجه این نیست که موانع همه کنار رفته اند و خودبخود تشکل توده ای ایجاد میشود. بلکه تاکید ما اینست که توازن قوای میان کارگران و مردم با جمهوری اسلامی و کارفرمایان به جایی رسیده است که کارگران اگر تلاش جدی بکنند میتوانند این موانع را در آینده نزدیکی کنار بزنند. مانع اصلی برای ایجاد تشکلهای کارگری طبعاً جمهوری اسلامی و ابزار سرکوب آنست.

پیشروی های کنونی جنبش کارگری و تعمیق و تثبیت هر چه بیشتر آنها امروز میتواند سکوی پرشی بزرگ برای به میدان کشاندن توده وسیع کارگران و تشکل یابی توده ای کارگری در سطحی وسیع و گسترده باشد. دامن زدن به چنین جنبشی و به میدان کشاندن نیروی بزرگ بخشهای مختلف کارگری و خانواده هایشان در عین حال خود فاکتور مهمی در مقابله کارگران با سرکوبگری های حکومت اسلامی و تداوم و گسترش مبارزات کارگری است. ایجاد تشکلهای توده ای کارگری همچنین گامی مهم در جهت نفی عملی و مستقیم تشکلهای دست ساز دولتی مثل شوراهای اسلامی و خانه کارگر و نظایر آنها و نیز عقب زدن جریانات راست و ارتجاعی از مقابل مبارزات کارگران است.

بعلاوه جمهوری اسلامی با امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی، رهبران و فعالین کارگری را زیر فشار قرار داده و با این کار تلاش میکند، جلوی سازمانیابی مبارزات کارگری را بگیرد. کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست آزادی فوری کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی و باطل شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کلیه فعالین اجتماعی که هم اکنون در جریان است و کارگران و معلمان

# کارگران در هفته ای که گذشت

## علی ربیعی وزیر کار: میزان بیکاری به زودی کاهش نمی‌یابد

### شهلا دانشفر

خبرها بازهم از سونامی بیکاری و ادامه وضعیت فاجعه بار بیکاری جوانان حکایت دارد. علی ربیعی وزیر کار طی سخنانی در حاشیه مراسم رونمایی از ۶۰ محصول جدید شرکت های داروسازی، زیر مجموعه وزارت کار با گفتن اینکه برنامه ریزی دولت برای سال ۹۶ ایجاد یک میلیون شغل است، اعلام کرد که با توجه به ورود جمعیت وسیع جوانان تحصیل کرده به بازار کار، باز هم میزان بیکاری در چند سال آینده در سطح فعلی باقی می ماند.

بنابر گزارشات از همین دست در حال حاضر سالانه حدود ۸۰۰ هزار نفر فارغ التحصیل وارد بازار کار می شوند که نزدیک به نیمی از فارغ التحصیلان دانشگاهها بیکار هستند. به این تعداد باید متقاضیان کار بدون تحصیلات دانشگاهی را نیز اضافه کرد. از جمله به گفته اسحاق جهانگیری معاون اول روحانی و ربیعی وزیر کار در سال گذشته حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر وارد بازار کار شده اند. این درحالیست که به گفته چندی قبل عیسی منصوری، معاون اشتغال وزیر کار در سال ۹۵ فقط حدود ۷۰۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است. مرکز آمار جمهوری اسلامی نیز از ایجاد ۶۱۵ هزار شغل در سال گذشته خبر داده بود. یعنی باقی یک میلیون و دو سیست هزاری که وارد بازار کار شده اند، اشتغالی پیدا نکرده و بر خیل عظیم بیکاری اضافه شده اند.

بدین ترتیب علیرغم همه آمارهای مهندسی شده دولتی برای اینکه در نزاعهای دورنی حکومت نشان داده شود، که برجام بی فرجامشان موفق بوده است، آمارها همچنان از افزایش بیکاری در سال ۹۵ سخن میگوید. در گزارشی در اوائل سال ۹۵ از سوی مرکز پژوهش های مجلس تعداد بیکاران کشور ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر اعلام شده

است. طبق همین گزارشات، در سال ۹۵ بیش از ۲۹ درصد افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله و نزدیک به ۲۶ درصد جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله بیکار بوده اند. بگذریم که در آمارهای مربوط به نرخ بیکاری، کودکان کار جزو جمعیت شاغل محسوب می شود. چون در جامعه ایران کار کودکان، مجاز و قانونی است و مشاهده میکنیم که در همین آمار مربوط به سال ۹۵ سن اشتغال را از ۱۵ سال محاسبه کرده اند. در حالیکه سن ۱۵ تا ۱۸ سال هنوز بطور واقعی سن کار نیست و چنین افرادی باید از امکاناتی چون تحصیل رایگان و یک زندگی آسوده و امن برخوردار باشند.

نکته قابل توجه دیگر در این آمارها به حساب آوردن اشتغال ناقص در شمار جمعیت شاغل کشور است. بنابر تعریف عجیبی از سوی سازمان بین المللی کار هر فردی که یک ساعت کار کرده باشد شاغل محسوب می شود. در نتیجه طبق گزارشی در سال ۹۴ بیش از یک چهارم جوانان ایران بنابر تعریف سازمان بین المللی کار، حتی یک ساعت در هفته کار درآمدنا داشته اند.

مثال دیگر در همین راستا کارگران فصلی هستند که فقط نیمی از سال آنها با حداقل دستمزد و چند بار زیر خط فقر به کار اشتغال دارند و نیمی از سال بیکار. این بیکاران فصلی جایی در محاسبات نرخ بیکاری ندارند و به لحاظ تامین زندگی در آن مدت از سال که کاری ندارند، شدت در مضیقه بسر میرند. و از سوی دیگر چون بابت فصول بیکاری شان برای آنان حق بیمه ای به تامین اجتماعی پرداخت نمیشود، با معضل جدی بازنشستگی و برخورداری از همان چندرغاز حق بازنشستگی روبرو هستند.

بخش دیگری از همین جمعیت عظیم بیکاران ناگزیر به کارهایی چون دستفروشی، کوله بری در مرزها روی آورده اند. این نیرو ها نه در لیست آمار بیکاری قرار دارند و نه

امنیتی برای تداوم کارشان و تسهیلاتی برای آن برخوردارند. بلکه به عکس همواره با حمله نیروهای سرکوب شهرداری و باج بگیران مرزی روبرویند و ابعاد جنایت در برخورد با این کارگران به جایی رسیده است که کارزارهای مبارزاتی ای در حمایت از آنان به راه افتاده و اخبارش به سرتیتر مهم خبرها تبدیل شده است.

و بالاخره به عنوان یک بخش مهم از جمعیت بیکاران، به حساب نیامدن نیروی عظیم زنان خانه داری است که وارد باز کار نشده اند و در شمار نیروی بیکار کشور محاسبه نمیشوند. چرا که بر طبق قوانین ارتجاعی اسلامی خانه نشینی زن و شوهرداری و بچه داری وظیفه "دینی" زن است.

اما نیاز جامعه و فشار جنبش رهایی زن، باعث شده که این جانیان در آمارهایشان بخش زنانی که متقاضی کار شده اند، از جمله زنانی که تحصیلات خود را تمام کرده و میخواهند وارد بازار کار شوند و شمارشان نیز بالاست، ناگزیر وارد محاسباتشان کرده اند. در همین راستاست که بنا بر آمارها میزان بیکاری در میان زنان و جوانان و در مناطق شهری به نسبت مناطق روستایی بیشتر بوده است. بطور مثال مولاوردی معاون روحانی در "امور زنان و خانواده" در نخستین کنفرانس ملی مدیریت جوان در سال ۹۴ از رکورد دار بودن بیشترین نرخ بیکاری در میان زنان، طی ۲۰ سال اخیر سخن میگوید.

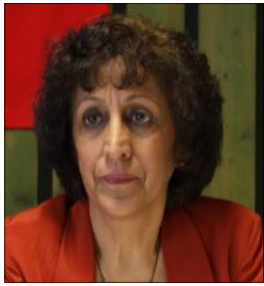
بدین ترتیب در شرایطی که اقتصاد جمهوری اسلامی به مرز فلج شدن رسیده است، هر روز کارخانجات بیشتری به تعطیلی کشیده شده و کارگران بسیاری از کار بیکار میشوند، برای دانش آموختگانی که وارد بازار کار میشوند، کاری وجود ندارد و بحث بر سر بحران بیکاری جوانان و سونامی بیکاری است، محرومیت جمعیت عظیم بیکاران از یک بیمه بیکاری مکفی و در کنار آن بیمه های اجتماعی دیگر، مساله

بیکاری را به یک فاجعه بزرگ اجتماعی تبدیل کرده و دامن بسیاری از خانواده ها را گرفته است.

### بیکاری میلیونی و محرومیت از هر نوع تأمین

همانطور که اشاره کردم آمارها از بیکاری میلیونی خصوصا در میان جوانان و زنان خبر میدهد. هر روز جمعیت بیشتری وارد بازار کار میشوند و بیشتر از نیمی از این جمعیت جذب بارار کار نمیشوند و به خیل عظیم بیکاری اضافه میشود. این آمارها تکانهنده است. در برابر این فاجعه عظیم انسانی هیچ تأمینی وجود ندارد. نه خیری از بیمه بیکاری هست و نه تأمین های اجتماعی دیگر چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تأمین مسکن.

بنا بر تعریف سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۴، "مقرری بگیر بیمه بیکاری عبارت است از بیمه شده ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار باشد". این تعریف به روشنی نشان میدهد که چیزی که در جمهوری اسلامی به آن "بیمه بیکاری" گفته میشود، دربرگیرنده تمامی نیروی میلیونی عظیم بیکار کشور اعم از زن و مرد نیست و در واقع ربطی به بیمه بیکاری ندارد. بلکه بهای بیکار کردن کارگر از کارش است، برای کاستن از ابعاد اجتماعی اخراج ها. که آن نیز زیر فشار جنبش اعتراضی کارگری به دولت تحمیل شده است. میزان آن هم ناچیز و بنابر قانون میزانش برابر با ۵۵ درصد میانگین حقوق دو ماهه آخر کارگر است که به افزایش ده درصد به هر یک از افراد تحت تکفل کارگر، مبلغش میتواند اضافه شود که البته نباید از حداقل دستمزد کارگر که خود چندین بار زیر خط فقر است، بالا بزند. برای شمولیت این "بیمه بیکاری" نیز کارگر باید ۶ ماه قبل از بیکارشده شدنش، سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد که اگر مجرد باشد تا حداقل ۳۶ ماه و اگر متأهل باشد تا ۵۰ ماه این پول به او تعلق



میکرد. حال با توجه به اینکه ۹۰ درصد مشاغل قراردادی و پیمانی است، همین چندرغاز بیمه بیکاری هم شامل حال بسیاری از کارگران نمیشود. و بنابر قانون فاشیستی جمهوری اسلامی کارگران افغانستانی و تبعه کشورهای خارجی از این بیمه محرومند.

### علیه بیکاری متحد و متشکل شویم

یک رکن مهم مبارزه علیه فقر و فلاکت، مبارزه علیه بیکاری است. بیکاری یک درد اجتماعی است و زندگی و معیشت بخش عظیمی از جامعه را به تباهی کشیده است. بیکاری موجب از هم پاشیدن خانواده های بسیاری شده است. این معضل اجتماعی برای جوانان و کل مردم موجب مصائبی چون بالا رفتن آمار تن فروشی، اعتیاد، خارج ماندن کودکان بسیاری از چرخه تحصیل و افزایش هر روزه تعداد کودکان کار و خیابان، شده و به معضلی اجتماعی تبدیل شده است. در تقابل با این پدیده بزرگ اجتماعی که آمارش در ایران میلیونی است، باید جنبشی با همین ابعاد به راه انداخت. جنبشی که همه بیکاران و خانواده هایشان، کارگرانی که از کار بیکار میشوند و خانواده هایشان را در بر بگیرد و برای آن کل جامعه را بسیج کرد.

با کارزاری سراسری علیه بیکاری و با خواست بیمه بیکاری برای همه کسانی که کار ندارند و آماده به کارند، و حق داشتن کار و یک زندگی انسانی، صف میلیونی نیروی خود را علیه بیکاری سازمان دهیم. یک گام مهم در کارزار علیه بیکاری، متشکل شدن حول خواستهایی روشن و سراسری است. بیمه بیکاری مکفی و امروز در گام اول رقمی بالای خط فقر، یعنی بالای ۴۰ هزار تومان، حق همه افراد آماده به

# صدور حکم وحشیانه شلاق با تعلیق دوساله برای محمد تشکری کارگر بافق یزد احکام ارتجاعی و وحشیانه شلاق باید فوراً ممنوع شود

## شهلا دانشفر

محمدعلی جداری فروغی، وکیل مدافع محمد حسن تشکری، روز یکشنبه ۲۹ اسفند، از صدور حکم شلاق تعلیقی برای محمد حسن تشکری، کارگر معدن سنگ آهن بافق یزد، از سوی دادگاه تجدیدنظر خبر داد.

محمد حسن تشکری با اتهام «اخلال در نظم و آسایش عمومی» در خرداد ماه ۹۵ در دادگاه بدوی استان یزد و وحشیانه به ۱۱ ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق تعلیقی به مدت ۵ سال محکوم شده بود. بدنبال اعتراضات بسیار و کارزاری وسیع علیه احکام وحشیانه و عصر حجری شلاق برای ۹ کارگر این معدن، در ۲۹ اسفند ۹۵ دادگاه تجدیدنظر تنها اقداماتی را به کاهش ضربات شلاق بود و به این توحش و بربریت ادامه داد. این دادگاه حکم محمد تشکری را با اتهام «معاونت در اخلال نظم» به ۳۰ ضربه شلاق تعلیقی به مدت دو سال و همچنین پرداخت ۱۸ میلیون ریال جریمه نقلی تغییر داد. به صدور حکم ارتجاعی شلاق برای محمد تشکری و احکام وحشیانه شلاق، این قانون مجازات اسلامی عصر بربریت و سیعا اعتراض کنیم.

جمهوری اسلامی با گستاخی تمام از یکسو تلاش دارد، حکم شلاق، این شکل وحشیانه مجازات اسلامی را بالای سر جامعه نگاهدارد و از سوی دیگر زیر فشار اعتراضات کارگران و کارزاری که بر سر این موضوع در چند ساله اخیر به راه افتاده است، جرات اجرایش را ندارد و حکم تعلیقی میدهد. ضمن اینکه میکوشد این فشار را بر روی سر کارگران و کل جامعه نگاهدارد که اگر دست از پا خطا کنید، اخطار دهد که حکم اجرا خواهد شد.

محمد علی جداری پیشتر در بیست و پنجم اسفند ماه از لغو احکام شلاق ۷ تن از کارگران معدن سنگ آهن بافق از طرف شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان یزد خبر داده

و چنین گفته بود: "در دادنامه صادره بدوی، حکم صادره، ۷ ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق بود که برای مدت ۵ سال تعلیق شده بود، اما در دادنامه تجدیدنظر مدت تعلیق به سه سال تقلیل یافته و ۳۰ ضربه شلاق به یک میلیون تومان جریمه نقلی برای هرکدام از هفت نفر تبدیل شده است."

همچنین بنا بر خبرها یکی دیگر از این کارگران بعنوان متهم ردیف دوم در دادگاه بدوی به چهار ماه حبس تعلیقی به مدت پنج سال محکوم شده است.

بدین ترتیب ۹ کارگر بافق یزد بخاطر مبارزات جانانه ۵ هزار کارگر این معدن در اردیبهشت ۹۳ علیه خصوصی سازی ها و فروش سهام معدن که امنیت شغلی کارگران را زیر سوال میبرد و در اعتراض به شرایط دشوار کاری و دستمزدهای ناچیزشان، محاکمه میشوند. اعتراضاتی که دور اول آن ۳۹ روز به طول کشید و شهر بافق یزد را که بخش بسیاری از آنان نان آورانشان شافلین این معدن بودند، به جنب و جوش در آورد.

جالب توجه اینجاست که در پی دستگیری این ۹ کارگر در سال ۹۳، و شروع اعتراضات قدرتمند دور دوم کارگران بافق یزد برای آزادی همکارانشان، مدیر عامل شرکت به عنوان شاکی پرونده ناگزیر فوراً شکایتش را پس گرفت، اما بدلیل ابعاد سیاسی و اجتماعی این اعتراضات که برآستی نقطه عطفی در مبارزات کارگری بود، پرونده از سطح اعتراض در یک معدن معین فراتر رفته و دولت و دستگاه قضایی اش تحت عنوان اخلال در نظم و امنیت ملی، در مقام شاکی، این پرونده را دنبال کردند.

هم اکنون نزدیک به سه سال است که کشاکش بر سر پرونده ۹ کارگر بافق یزد جریان داد و این خود نشان دهنده فشار سیاسی این پرونده بر روی حکومت اسلامی است. احکام وحشیانه شلاق مصداق

قوانین مجازات اسلامی جمهوری اسلامی است. اجرای احکام شلاق همواره بخشی از سیاست رژیم اسلامی برای اجرایی کردن قوانین ارتجاعی اسلامی اش در قبال زنان، جوانان و کل جامعه بوده است. جمهوری اسلامی تلاش کرد با همین سیاست و با تحقیر کارگر و شلاق زدن بر بدنش، بردگی مزدی خود را در قبال کل طبقه کارگر و کل جامعه تشدید کند. اما جنبش اعتراضی کارگری که یک عرصه مبارزه قدرتمند در جامعه است، جانانه در مقابل این گستاخی حکومت ایستاد و چندین سال است که اعتراض علیه احکام شلاق به عرصه ای از مبارزه علیه کل دستگاه قضایی و قوانین ارتجاعی مجازات اسلامی حکومت اسلامی تبدیل شده است که کارگران در صف جلوی این مبارزه قرار دارند. از جمله نقطه اوج آن کارزاری بود که در واکنش به اجرای احکام صادر شده شلاق در قبال ۱۷ کارگر معدن آق دره به راه افتاد و به راستی طوفانی به راه انداخت. بطوریکه زیر فشار آن ربیعی وزیر کار دولت روحانی در ۱۲ خرداد ۹۵ خبر برکناری رضا نقی زاده مدیر کل اداره کار استان آذربایجان غربی را تحت عنوان بی اطلاعی از اجرای حکم مجازات

## کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۶

کار بالای ۱۸ سال اعم از زن و مرد است و تا زمانی که این افراد بیکارند و اشتغالی پیدا نکرده اند، باید از حق بیمه بیکاری برخوردار باشند. ضمن اینکه درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تأمین مسکن حق همه کارگران و کل جامعه است.

اخراج باید ممنوع شود و کارگری که به دلیل تعطیلی کارخانه از کار بیکار میشود، حق دارد که تا مقطع اشتغال به شغل جدید، هر ماهه برابر با آخرین حقوق دریافتی اش، مزد دریافت کند. دولت موظف است

شلاق کارگران معدن طلای آق دره اعلام داشت. و موضوع آنچنان لولوله ای در درون حکومت به پا کرد که پرونده اش به مجلس کشیده شد و موضوع بحث قرار گرفت. اما این اظهارات پوچ و بی پایه به اعتراض کارگران ابعاد گسترده تری داد و بحث ها مستقیماً متوجه سیستم کثیف و جنایتکارانه دستگاه قضایی جمهوری اسلامی و قوانین قصاص و مجازات اسلامی اش از جمله مجازات "شلاق" کشیده شد و شعار شلاق ممنوع در پلاکاردها و اعتراضات نقش بست. این کارزار بین المللی شد و صدایش در اجلاس سازمان جهانی کار و در اعتراض به مداخلات آن با جمهوری اسلامی انعکاس پیدا کرد.

اعلام حکم محمد تشکری کارگر معدن بافق یزد و صدور حکم شلاق تعلیقی برای او، یکبار دیگر این موضوع و تأکید بر کارزار علیه قوانین مجازات اسلامی و احکام وحشیانه شلاق را به میان میکشد. با اعتراض وسیع به صدور حکم شلاق برای محمد تشکری، بار دیگر صدای اعتراضمان را علیه این گستاخی آشکار رژیم بلند کنیم. احکام صادر شده برای ۹ کارگر بافق یزد و محاکمه و دادگاهی کردن های آنها در سه ساله اخیر در عین

حال، بخشی از همان تلاش حکومت اسلامی برای امنیت کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض است، در ادامه کارزار علیه امنیتی کردن مبارزاتمان به این موضوع وسیعاً اعتراض کنیم. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای ۹ کارگر بافق یزد، برای بهنام ابراهیم زاده و اسماعیل عبیدی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً لغو همگی بدون قید و شرط آزاد شوند. همچنین پرونده های امنیتی تشکیل شده برای فعالین و رهبران کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی چون جعفر عظیم زاده، شاپور احسانی راد، محمود صالحی، عثمان اسماعیلی، رضا شهبانی، ابراهیم مددی، داود رضوی، محمود بهشتی و دهها فعال سیاسی دیگری فوراً باطل و از تمام آنها رفع اتهام شود.

حق تشکل، حق اعتصاب، حق برپایی اول مه روز جهانی کارگر، حق تجمع، حق بیان اندیشه، همه و همه حقوق پایه ای و بدون قید و شرط کارگران و کل جامعه است و باید به رسمیت شناخته شود.

شلاق زدن ممنوع و تمامی احکام امنیتی لغو کمپین برای آزادی کارگران زندانی

اعتراض علیه بیکاری دارد در اشکال سازمانیافته تری راه خود را پیدا میکنند. نمونه هایی چون اعتراضات جوانان بیکار در ماهشهر، آبادان، لنگرود، شهرریوی بهبهان طلایه هایی از چنین حرکتی است. این خیل عظیم بیکاری که نیمی از آنرا جوانان تشکیل میدهند، امروز یک بمب انفجاری اعتراض در جامعه هستند. جنبش علیه بیکاری، جنبشی است که زمینه حمایت اجتماعی دارد و با اتکا به این نیروی عظیم اجتماعی میتوان به تدارک سازماندهی اش رفت و علیه بیکاری متشکل شد.

برای این کارگران به لحاظ تخصص یابی و شرایط کاربایی تسهیلاتی فراهم کند. و شغلی مشابه برای آنان پیدا کند. از جمله کارگرانی که بدلیل تغییرات تکنولوژی و خارج شدن رشته کاری شان از رده مشاغل کاری، بیکار میشوند، باید از امکان رایگان تخصص یابی برای اشغال به حرفه ای دیگر برخوردار شوند. اینها همه خواستهایی است که میشود بطور سراسری دور آن گرد آمد. حول این خواستهها گروههای مبارزاتی مان را در مدیای اجتماعی شکل دهیم و بر سر این موضوع مهم کارزاری اجتماعی به راه اندازیم.

## قطعه‌نامه "در مورد موقعیت ویژه جنبش کارگری ..."

از صفحه ۵

در نیروی اصلی آن هستند. یک پاسخ عملی در برابر این سرکوبهاست. معنای واقعی این کارزار دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب، آزادی بیان و آزادی های سیاسی پایه ای کارگران و کل جامعه است. با تمام قوا به این کارزار بپیوندیم.

همچنین یک کار مهم ما توضیح شفاف و روشن سیر تحولات و کنار زدن هر گونه ابهام و تردیدی برای پیشروی بیشتر و تحقق امر سازمانیابی توده ای

## قطعه‌نامه در مورد موقعیت ویژه جنبش کارگری

جنبش کارگری در ایران در آستانه جهشی بزرگ قرار گرفته است. در فضای متحول اجتماعی و موج هم سرنوشتی و همبستگی با مبارزات کارگری، این جنبش اکنون ثقل سیاسی مهمی در جامعه پیدا کرده، و به آستانه ایجاد تشکلهای توده ای کارگری رسیده است. مهمترین مولفه های این تحول و پیشروی چنین است:

۱- مبارزات کارگری، اعتصابات طولانی مدت و پی در پی در مراکز صنعتی و تجمعات در مقابل مراکز دولتی به امری روزمره تبدیل شده و اتحاد و همبستگی و پیوند بخشهای مختلف کارگران را تقویت کرده است. اعتراضات سراسری و روبه گسترش معلمان و بازنشستگان، یک جنبه مهم این تحول را بازتاب میدهد.

۲- جنبش افزایش دستمزد اکنون یک جنبش گسترده و اجتماعی است. خواست افزایش چندین برابر دستمزدها و مقایسه خط فقر و سطح موجود دستمزدها در شعارها و بیانیتهای معلمان، کارگران و پرستاران و بازنشستگان بیان میشود. این خواست و جلو آمدن خواستهایی چون طب رایگان و تحصیل رایگان توقع کارگران و کل جامعه را از داشتن یک زندگی انسانی بیان میکند.

۳- تلاش کارگران و معلمان برای آزادی اعتراض و اعتصاب و تشکل در شکل مشخص و تعرضی حذف پرونده های امنیتی و غیر امنیتی کردن اعتراضات کارگری خود را بیان میکند و این امر ابعادی اجتماعی به خود گرفته است.

۴- تشکلهای کارگری مستقل از دولت و فعالین سرشناس جنبش

نگاهداشتن صفوف طبقه کارگر و عقب زدن گرایشات راست و حافظ رژیم از جمله رهوس دیگر کارهای ما برای پیشروی بیشتر در جهت نقطه تاکیدهای این قطعنامه است.

و آخرین سخن اینکه ما در راستای این قطعنامه برای ایجاد وسیع ترین اتحاد و همبستگی در میان کارگران و بخش های وسیع جامعه، برای جلب همبستگی در سطحی بین المللی با کارگران در ایران پیگیرانه تلاش میکنیم و همه فعالین جنبش کارگری را به پیوستن به حزب سیاسی خود فرامیخوانیم.

گروههای مبارزاتی هزاران نفره در شبکه های اجتماعی نیز زمینه فراخوانهای سراسری و تشکل های سراسری کارگران را بیشتر فراهم کرده است.

۱۰- اکنون عملا کارگران و معلمان در کنار هم صف واحدی را تشکیل میدهند. طرح خواستههای مشترک و عمومی، از یکسو مبارزات بخش های مختلف کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بخش عظیمی از جامعه را به هم پیوند داده است و از سوی دیگر توجه و حمایت بخشهای مختلف جامعه و فعالین اعتراضات اجتماعی را به جنبش کارگری جلب کرده است.

۱۱- تعمیق بحران اقتصادی و سیاسی لاعلاج حکومت، به جان هم افتادن مقادیر حکومتی در سطوح مختلف، توان و اعتماد بنفوس حکومت و ارگانهای سرکوب آنرا در مواجهه با مردم بشدت کاهش داده و توازن قوا را به نفع کارگران و عموم مردم تغییر داده است.

این پیشروها و تحولات شرایط را برای ایجاد تشکل های توده ای کارگران فراهم کرده است. تحقق این امر و تعمیق و تثبیت پیشروی های تاکتیکی یک اولویت مهم حزب کمونیست کارگری است. حزب برای ایجاد وسیع ترین اتحاد در میان کارگران و بخش های وسیع جامعه و جلب همبستگی هرچه گسترده تر بین المللی با کارگران در ایران پیگیرانه تلاش میکند و همه فعالین جنبش کارگری را به پیوستن به حزب سیاسی خود فرامیخواند.

## پیام سال نو جانیمان و دشمنان آزادی ...

از صفحه ۳

بانی عدم امنیت و عدم رفاه در جامعه است. نفس اینکه مسببین فقر و فلاکت و محرومیت برای قربانیان خود مزورانه آرزوی امنیت و رفاه میکنند، مشتمن کننده است. این حکومت را باید سرنگون کرد. سال جدید باید سال پیشرویهایی عمیق و گسترده علیه حکومت اسلامی و در راستای تحقق آرزوهای دیرینه مردم یعنی آزادی و برابری و رفاه همگان باشد. باید این حکومت را در هم کوبید. باید مناسبات سیاسی و اقتصادی جامعه را دگرگون کرد و بر ویرانه های این حکومت، نظامی متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان، یک جمهوری سوسیالیستی را مستقر کرد. جامعه بشری و مردم در ایران بیش از هر زمان نیازمند یک جامعه آزاد سوسیالیستی اند.

## قطعه‌نامه در مورد جنبشهای اجتماعی و ...

از صفحه ۴

سرنوشتی جمهوری اسلامی عمیق تر و رادیکال تر و پیروز مندان تر خواهد بود. تقویت و به پیش راندن این روند اساس و رکن استراتژی حزب برای رهبری انقلاب آتی مردم در ایران و کسب قدرت سیاسی است. سرنوشتی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب و خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار، میتواند و باید نقطه اوج و حاصل نهایی این جدال طبقاتی باشد. حزب کمونیست کارگری گسترش و رادیکالیزه شدن اعتراضات اجتماعی، پیشرویهایی جنبش کارگری، و روند تعمیق قطن بندی طبقاتی را، که خود در شکل گیری آن نقش فعالی ایفا کرده است، یک گام مهم به پیش در تعمیق و تقویت جنبش سرنوشتی طلبانه مردم ایران میدانند و با تمام توان برای گسترش و سازماندهی و رادیکالیزه کردن هر چه بیشتر این جنبش تلاش میکنند.

اقتصادی حکومت اسلامی از جنس بحران اقتصادی شیلی، آرژانتین و یا برزیل نیست. راه حل سرمایه دارانه در چهارچوب حکومت اسلامی ندارد. واقعیت این است که هر گونه بهبود اساسی حتی در چهارچوب مناسبات سرمایه داری مستلزم سرنوشتی حکومت اسلامی است.

## خامنه ای و آرزوی امنیت و رفاه

رهبر اوباش اسلامی در پیام خود گفته است: "امیدواریم که سال بسیار خوب و مبارک و بابرکتی و همراه با امنیت و رفاهی در انتظار ملت ایران باشد". سالی مبارک، همراه با امنیت و رفاه؟ باید فریاد زنان گفت که هر گونه امنیت و هر درجه رفاه جامعه مستلزم سرنوشتی انقلابی حکومتی است که باعث و

کسب آمادگی اجتماعی برای

بزرگترین انقلابی حکومت است. با توجه به نکات فوق کنگره اعلام میکند: پیروزی انقلاب در گرو تامین هژمونی و رهبری یک حزب انقلابی است که در بطن مبارزات جاری نماینده آرمان و خواستههای انسانی، مدرن، برابری طلبانه و آزادخواهانه در جامعه باشد. این نقش تعیین کننده ای است که حزب کمونیست کارگری میتواند و باید ایفا کند.

هرچه تقابل طبقاتی که در اعماق و در بطن جنبشها و فعالیتهای اعتراضی جاری جریان دارد بیشتر تبیین و تعیین بیاید، شفاف و آشکارتر شود، و در قالب خواستهها و اهداف روشن در نبردهای روزمره بیان و اعلام گردد، زمینه اجتماعی برای نمایندگی شدن این مبارزات بوسیله حزب بیشتر فراهم خواهد شد، و جنگ نهایی برای





## خطاب به مردم دنیا:

# کمک کنید سینا دهقان جوان ۲۱ ساله ایرانی از اعدام نجات پیدا کند



حکومتی از جنس داعش است. پیشقراول داعش است. با دست بریدن و سنگسار و اذیت و آزار زنان، با اعدام همجنسگرایان و شلاق و شکنجه سعی کرده است مقررات اسلام را در ایران پیاده کند اما با جنبش عظیمی علیه مذهب و اسلام و قوانین ارتجاعی اش روبرو بوده است. متأسفانه دول غربی با چنین حکومتی مامشات میکنند و فرش قرمز جلو مقاماتش پهن میکنند. امید ما به شما مردم آزادیخواه جهان است.

فقط جان يك جوان در خطر نیست. صحبت بر سر سرنوشت میلیونها جوان و مردمی است که حکومت اسلامی را نمی خواهند. يك جامعه آزاد مبتنی بر موازین سکولار و تامین رفاه و سعادت همه شهروندان را طلب می کنند. این امیال انسانی مردم ایران است. این وجه مشترك همه ما در هر جای دنیاست. به هر شیوه ای که خود مناسب می دانید نسبت به احکام سینا دهقان، محمد نوری و سحر الیاسی و همچنین روح الله توانا و

جامعه است. جامعه ایران علیرغم حاکمیت استبداد مذهبی يك جامعه غیر اسلامی است که در فراسوی تحمیلات مذهبی آزادی، عدالت و سکولاریسم را جستجو می کند. همین احکام اعدام بخوبی نشان می دهد که چگونه حکومت و جامعه مدنی ایران بعنوان دو قطب مخالف در مقابل یکدیگر صف آرایی کرده اند.

سینا دهقان و محمد نوری را باید از اعدام و سحر الیاسی را از زندان نجات داد. تنها با فشار بین المللی میتوان هزینه این محاکمات ظالمانه را برای جمهوری اسلامی بالا برد و سینا و همراهانش را نجات داد. تک تک شما میتوانید در نجات جان این انسانها نقش داشته باشید. به مراجع بین المللی و یا به پارلمان کشور خود مراجعه کنید، نامه بنویسید و بخواهید که با فشار دیپلماتیک سیاسی علیه جمهوری اسلامی آترا وادار کنند این سه جوان را آزاد کند و احکام آنها را لغو کند. جمهوری اسلامی ایران

خبر بازداشت و صدور حکم اعدام برای سینا دهقان بازتابی پیدا نکرد. و جمهوری اسلامی فرصت یافت در دیوان عالی کشور حکم اعدام او را تایید کند. اکنون سینا جوان ۲۱ ساله هر لحظه ممکن است با چوبه دار مواجه شود.

دو متهم دیگر این پرونده به نام های سحر الیاسی، اهل تهران و محمد نوری، اهل اراک هستند. محمد نوری با اتهامی مشابه سینا دهقان در شعبه يك دادگاه کیفری اراک به اعدام محکوم شده و خانم الیاسی به اتهام توهین به مقدسات به هفت سال حبس محکوم شد که بعداً در مارس ۲۰۱۶ در دادگاه تجدیدنظر به سه سال حبس کاهش یافت. طبق ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی، اگر فردی به پیامبر اسلام توهین کند، محاکمه خواهد شد و با مجازات اعدام روبرو خواهد بود.

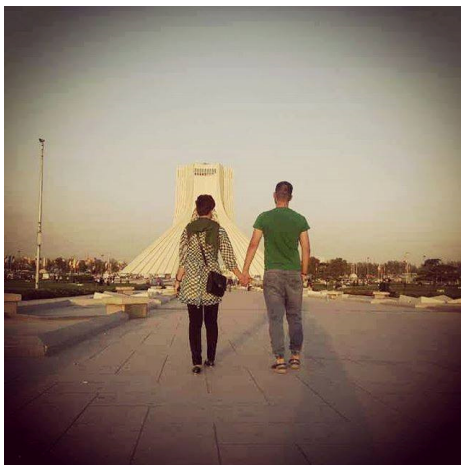
تعیین مجازات اعدام برای از دین برگشتگان از سوی جمهوری اسلامی نشانه هراس از گسترش بی دینی و رشد گرایشات سکولار در

دیوان عالی جمهوری اسلامی ایران بعنوان بالاترین مرجع قضائی در ایران حکم اعدام يك جوان ۲۱ ساله را به اتهام توهین به محمد پیامبر اسلام تایید کرده است. سینا دهقان، ۲۱ اکتبر ۲۰۱۵ یعنی از سن ۱۹ سالگی دستگیر و در دادگاه کیفری شهر اراک به اعدام محکوم شد. وی به دلیل نوشتن مطالب انتقادی در باره اسلام و مخالفت با مقدسات اسلامی در شبکه اجتماعی لاین دستگیر شده بود.

مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در بازجویی ها به سینا دهقان گفته بودند اگر اتهامات را بپذیرد و بعد "توبه" کند، بخشیده خواهد. با اینحال علیرغم گرفتن اعتراف از سینا تحت فشار، حکم اعدام وی صادر گردید و در اواخر ژانویه ۲۰۱۷ این حکم عیناً از جانب دیوان عالی مورد تایید قرار گرفت.

نیروهای امنیتی و قضایی به خانواده این جوان گفته بودند که اگر "سر و صدا نکنند"، سینا آزاد می شود به همین دلیل تا مدت ها

## ما همه سینا دهقان هستیم!



هرمز رها - مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام حسن صالحی - سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

۳ فروردین ۱۳۹۶ - ۲۳ مارس ۲۰۱۷

رویگردان شده اند. بیائید با اعتراض متحد خود نشان دهیم که سینا دهقان، محمد نوری، سحر الیاسی و سهیل عربی ها در ایران تنها نیستند. ما همه سینا دهقان هستیم! ما همه مخالف اعدام بی خدایان در ایران هستیم. ما خواهان لغو مجازات ضد انسانی اعدام هستیم. ما نمی خواهیم حق هیچ شهروندی در بیان نظر و اعتقادش تحت هیچ شرایطی محدود شود! نقد و افشای مذهب و مخالفت با مقدسات مذهبی و اسلامی جرم نیست. بخشی از آزادی بیان مردم است.

بیائید تا با اعتراض خود نشان دهیم با صدور احکام اعدام برای متقیدین اسلام نمی توانند ما را به سکوت بکشانند. ما مرعوب نمی شویم و به خانه نمی رویم. می مانیم و تا زمانی که بساط این قتل و کشتار اسلامی را ور نیاندازیم به مبارزه متحدانه خود ادامه می دهیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام کلیه نهادهای بین المللی را نیز فرامیخواند جمهوری اسلامی را تحت فشار هرچه بیشتر قرار بدهند و جمهوری اسلامی را وادار کنند کلیه این احکام را لغو کند و متهمین به توهین به مقدسات اسلامی را فوراً آزاد کند.

سینا دهقان جوان ۲۱ ساله زندانی در اراک به اتهام توهین به محمد پیامبر اسلام به مرگ محکوم شده است. دیوان عالی کشور یعنی بالاترین مرجع قضائی جمهوری اسلامی حکم مرگ این جوان را تایید کرده و او هر لحظه ممکن است اعدام شود. به همراه سینا دهقان، محمد نوری نیز به جرم سب النبی (توهین به "پیامبر اسلام") در شعبه يك دادگاه کیفری اراک به اعدام محکوم شده است. همچنین سحر الیاسی به اتهام "توهین به رهبری" به زندان محکوم شده است.

کمیته بین المللی علیه اعدام همگان را فرا می خواند که برای نجات جان سینا دهقان و محمد نوری و لغو مجازات زندان سحر الیاسی و همه کسانی که بدلیل نقد دین اسلام و یا توهین به مقدسات اسلامی در زندانهای جمهوری اسلامی هستند، نیروی متحد خود را به حرکت در آورند.

صدور حکم اعدام برای متقیدین دین اسلام نشانه هراس جمهوری اسلامی از رواج بی دینی در ایران است. جمهوری اسلامی علیرغم همه تلاشش برای اسلامی کردن همه چیز در ایران با يك سونامی بی دینی در ایران روبرو است. مردم و بویژه جوانان نه فقط از اسلام روی بر می گردانند بلکه در قلب خلافت اسلامی از هر چه خرافه و مذهب و اسلام و مقدسات اسلامی

## اطلاعیه مطبوعاتی در باره آخرین تحولات پیرامون پرونده سینا دهقان

مادر سینا دهقان با انتشار يك ويديو ضمن اعلام نام و كیل سینا دهقان و اشاره به فرآیند اعاده دادرسی به نقل از این وکیل ابراز امیدواری کرده است که این پرونده "ختم به خیر شود".

در احساس مادر سینا دهقان برای فرزندش ما و بسیاری دیگر شریک هستیم و همه ما می خواهیم که این جوان هر چه زودتر از زندان آزاد شود و به آغوش خانواده خود باز گردد. کمیته بین المللی علیه اعدام مجدانه

به کمپین خود برای لغو حکم اعدام سینا دهقان و آزادی فوری او ادامه خواهد داد.

جمهوری اسلامی عامل اصلی هرگونه تحقیر، بی حرمتی، و لگدکوب کردن انسان و انسانیت در جامعه است. به گروگان گرفتن جان يك جوان به دلیل نقد حکومت و مذهب چیزی جز ضعف و استیصال حکومت را به نمایش نمی گذارد. حکومتی که تنها بر پایه زور و قلدری توانسته است به حیات ننگین

خود ادامه دهد. کمیته بین المللی علیه اعدام می دارد که جمهوری اسلامی مسئول جان و سلامتی سینا دهقان است و به خطر انداختن سلامتی و جان سینا بطور قطع به اعتراضات گسترده تری علیه جمهوری اسلامی منجر خواهد شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام ۹ فروردین ۱۳۹۶ - ۲۹ مارس ۲۰۱۷

## محمد نوری ۲۰ ساله در انتظار اعدام بدلیل انتقاد از حکومت و دین اسلام!



این عکس محمد نوری هم پرونده ای سینا دهقان و سحر الیاسی است. زمانی که او را به اتهام "توهین به مقدسات" دستگیر کردند تقریباً ۱۸ سال سن داشت. الان حدود ۲۰ سال سن دارد و در زندان اراک زندانی است. برای او نیز حکم اعدام صادر شده است. طبق اخباری که ما دریافت کرده ایم محمد نوری در زندان دچار افسردگی شدیدی شده است و احساس تنهایی می کند.

بگذار صدایش باشیم. بگذار بداند که فریادرسی دارد. بگذار بداند که همه ما سینا و محمد و سحر هستیم. بگذار دنیا بداند که ما در ایران با چه حکومت ددمنشی و در عین حال زبونی روبرو هستیم. این جوانان جرمی مرتکب نشده اند. حقایقی را در باره فقر و نداری مردم و دزدی و فساد حاکمان ایران در شبکه اجتماعی لاین منتشر کرده اند و رو به مردم گفته اند فریب مذهب را نخورید. این جوانان دین و مذهب اسلام را مورد انتقاد قرار داده اند که چگونه اسلام در خدمت ثروت انبوهی حاکمان و برای سرکوب مردم استفاده شده است. اینها هیچکدام جرم نیست. حقیقت است.

حرف دل همه مردم ایران است. این جوانان نباید محاکمه و زندانی شوند. باید حاکمان اسلامی ایران را محاکمه کرد که برای بقای حکومت ضد انسانی شان دانشما حقوق مدنی مردم ایران را لگد کوب می کنند.

یکصدا بخواهیم که احکام اعدام سینا دهقان و محمد نوری و حکم سه سال زندان سحر الیاسی لغو شود و همه مخالفین حکومت و منقدین اسلام از زندان های جمهوری اسلامی ایران آزاد شوند. نگذاریم قلب این جوانان از طیش باز ایستد. نگذاریم جوانی شان در زندان سپری شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام

### در اعتراض به احکام اعدام و در حمایت از زندانیان سیاسی

شنبه ۱ April ساعت ۱۷

در شهر کلن مقابل در وردی Hauptbahnhof

بیانید با اعتراض متحد خود نشان دهید که سینا دهقان، محمد نوری، سحر الیاسی و سهیل عربی ها در ایران تنها نیستند. ما خواهان لغو مجازات ضد انسانی اعدام هستیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته برای آزادی زندانیان سیاسی

با پشتیبانی جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن



## دستگیری سه فعال کارگری در کامیاران صالح امانی، سعید یوزی و محمد رضا آهنگر دستگیر شدند



خبرها در روزهای پایانی سال ۹۵، از دستگیری سه تن از فعالین کارگری در کامیاران و برخی احضار کردن های فعالین کارگری در شهرهای مختلف حکایت میکنند. بنا بر خبرهای منتشر شده روز ۲۷ اسفند صالح امانی از فعالین کارگری در کامیاران دستگیر و بعد از ۱۲ روز به زندان مرکزی شهر سمنجان منتقل شده است. در ۲۶ اسفند ۹۵ نیز سعید یوزی یکی دیگر از فعالین کارگری در این شهر و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری در خیابان دستگیر شده و از او خبری در دست نیست. و همچنین در ۲۳ اسفند محمد رضا آهنگر در همین شهر دستگیر شده است که همچنان در بازداشت بسر میبرد. به این دستگیری ها وسیعاً اعتراض کنیم. خواستار آزادی فوری صالح امانی، سعید یوزی و محمد رضا آهنگر شویم.

استقبال این روز اعتراض سراسری میرویم. از جمله در آخرین روزهای سال گذشته بازنشستگان در تجمع هزاران نفره شان مقابل مجلس به تداوم مبارزاتشان در شروع سال ۹۶ برای پیگیری خواستههایشان اخطار و کارگران در مراکز مختلف کارگری به ادامه مبارزاتشان در سال جدید اولتیماتوم دادند. روز جهانی کارگر يك فرصت مناسب برای تداوم این اعتراضات و به نمایش گذاشتن يك همبستگی قدرتمند و وسیع اجتماعی علیه زندگی زیر خط فقر و برای داشتن يك زندگی انسانی است. جمهوری اسلامی از فرا رسیدن چنین روز مهمی هراس دارد و با نزدیک شدن به این روزی در تدارک امنیتی کردن فضای اعتراض کارگران و کل جامعه و گذاشتن تهدید و فشار بیشتر بر روی رهبران و

فعالین کارگری و اجتماعی است. ایستادن در مقابل دستگیری فعالین کارگری و احضارها بخش مهمی از تدارک ما برای برگزاری يك اول ماه مه بزرگ و قدرتمند برای پیگیری خواستهها و مبارزاتمان است. با اعتراض وسیع و سراسری خود جلوی دستگیری های وسیعتر و گذاشتن فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری را بگیریم. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند و تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای همه کارگران و فعالین اجتماعی باید فوراً بسته شود. شهلا دانشفر کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱۰ فروردین ۹۶

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید